



فیش منبر

امام حسین علیه السلام

با امام حسین علیه السلام در محضر قرآن

↓ کانال فیش منبر و مرثیه در ایستا

<http://www.eitaa.com/fishemenbar>

سایت طلبه یار = <http://www.talabeyar.ir>

دنیا برای بسیاری از مردم جای زینت، تفاخر، تکاثر،

لهو و لعب است؛ اما گروهی از مردان خدا هرگز

فریب لذت های زودگذر را نمی خورند و بر اساس

گفته قرآن کریم «تجارت، آنها را از ذکر خدا غافل

نمی کند». آنان در دنیا زندگی می کنند؛ اما هرگز

وابسته به دنیا نیستند. آری فقط به خدا دل بسته اند و

آنچه که در مسیر کمال است.

مونس آنان کتاب خدا و آیات الهی است؛ آن گونه که

اگر تمام مردم کره زمین بمیرند، اما این کتاب

همراهشان باشد، هرگز احساس تنهایی و وحشت نمی

کنند.



امام حسین علیه السلام از جمله انسان های بی نظیر جهان هستی است که زندگی او با قرآن عجین شده بود. او از کودکی با قرآن همراه بود؛ عاشق و دلداره قرآن بود. چون لب به سخن می گشود، کلامش آیات قرآن بود و از قرآن دفاع می کرد؛ اگر نامه ای می نگاشت، دفاع از قرآن بود و سکوتش برای اندیشیدن در آیات آن.

با اذعان به این که در این نوشتار کوتاه نمی توان کاملاً به زندگی قرآنی امام حسین علیه السلام پرداخت، اما اجمالاً به مواردی از آن اشاره خواهد شد که از دوران کودکی حضرت تا روز شهادتش را دربر گرفته است.

۱- عشق به قرآن در دوران کودکی

امام حسین علیه السلام از کودکی به قرآن عشق فراوانی داشت؛ زیرا آیات فراوانی از قرآن در خانه شان بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نازل گشت و بدون تردید، امام حسین علیه السلام متأثر از فضای قرآن حاکم بر خانواده بود.

ایشان از سنین کودکی به قرائت، حفظ، تفسیر و تأویل قرآن اهمیت زیادی می داد. به چند نمونه از آنها که در تاریخ به ثبت رسیده، دقت کنید:

الف - فراگیری سوره توحید

از امام حسین علیه السلام سؤال شد: از رسول خدا چه شنیدی؟ فرمود: شنیدم که می فرمود:

خداوند کارهای مهم و بزرگ را دوست می دارد و کارهای پست و حقیر را نمی پسندد... و او «قل هو الله احد» و نمازهای پنجگانه را به من آموخت.

و شنیدم که می فرمود:

هر که خدا را اطاعت کند، خدا او را بالا می برد و هر که نیت خود را برای خدا خالص کند، خدا او را نیکو سازد و بیاراید و هر که به آنچه نزد خدا است، اطمینان کند، خدا او را بی نیاز کند و هر که بر خدا بزرگی کند، خدا او را خوار سازد. ۱

ب - پرسش تاویل برخی آیات از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم

اسماعیل بن عبدالله روایت کرده است: هنگامی که آیه «و اولوا الأرحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله»؛ (و

خویشاوندان در کتاب خدا بعضی مقدم بر بعضی دیگرند)

نازل شد، امام حسین علیه السلام می فرماید: تأویل این

آیه شریفه را از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم سؤال کردم.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در پاسخ فرمودند:

سوگند به خدا که منظور پروردگار در این آیه جز شما

نمی باشد. و «اولوا الأرحام» شما هستید. پس اگر من از دنیا

رفتم، پدرت علی از هر کس به جانشینی من شایسته تر

است و هرگاه پدرت علی در گذشت، برادرت حسن به



مناسبتی

جانشینی او سزاوارتر است و هرگاه حسن از دنیا رفت، تو به جانشینی او لایق تری.

مناسبتی

عرض کردم: ای رسول خدا! چه کسی پس از من به جانشینی من سزاوارتر است؟

فرمود: فرزندان علی، سپس فرزندش محمد، سپس فرزندش جعفر، سپس فرزندش موسی، سپس فرزندش علی، سپس فرزندش محمد، سپس فرزندش علی، سپس فرزندش حسن؛ پس هرگاه حسن از دنیا رفت، غیبت در نهمین فرزند تو رخ می دهد و این نه امام، از نسل تو هستند. خدا به آنان دانش و فهم مرا عطا فرموده است و سرشت آنان از سرشت من است. ۲.

ج - منظور از (انّ السمع و البصر و الفؤاد) چیست؟

عبدالعظیم فرزند عبدالله حسنی گوید: سرورم امام هادی

علیه السلام از پدران خود، از امام حسین علیه السلام نقل

کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم

فرمود: همانا ابوبکر نسبت به من همچون گوش، و عمر

همچون چشم و عثمان همچون دل است. امام حسین علیه

السلام می فرماید: فردای آن روز خدمت پیامبر صلی الله

علیه و آله وسلم مشرف شدم در حالی که در محضر او

امیر مؤمنان علیه السلام، ابوبکر، عمر و عثمان شرفیاب

بودند. از حضرت سؤال کردم: ای جد بزرگوار! دیروز از

شما در باره این صحابه سخنی شنیدم؛ منظور چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: آری. سپس به آن

سه نفر اشاره کرده، فرمود: آنان همانند گوش و چشم و



دل اند و به زودی در روز قیامت در مورد این وصیّ من -

سپس به علی علیه السلام اشاره فرمود - از آنان سؤال می

شود. خدای سبحان می فرماید: «انّ السمع و البصر و الفؤاد

کلّ اولئک کان عنه مسؤلاً» ۳ سپس فرمود: سوگند به

عزّت پروردگارم که همه امت من در روز قیامت ننگه

داشته می شوند و از آنان در باره ولایت علی علیه السلام

سؤال می شود و این، همان فرموده خدای سبحان است که

«و نگاهشان دارید که سؤال می شوند» ۴.

د - شفا یافتن به برکت سوره حمد

علامه مجلسی می نویسد: از امیرمؤمنان علیه السلام نقل

شده که فرمود: وقتی امام حسین علیه السلام بیمار شد،

مادرش فاطمه علیهاالسلام او را نزد پیامبر صلی الله علیه و

آله وسلم برد و عرض کرد: یا رسول الله! دعا کن خداوند به پسر ت شفا عنایت فرماید. رسول خدا صلی الله علیه و

مناسبتی

آله وسلم فرمود: دخترم! خداوند متعال همان کسی است

که او را به تو هبه کرد و او قادر است که پسر ت را شفا

دهد. در همان وقت جبرئیل نازل شد و عرض کرد: یا

محمد! به درستی که خداوند متعال سوره ای را بر شما

نازل نکرده، مگر این که در آن، حرف «فاء» می باشد. و

هر فایی از آفت است؛ جز سوره حمد که در آن، حرف

فاء نیامده است. پس ظرف آبی طلب کن و بر آن چهل

مر تبه سوره حمد را بخوان. سپس آن آب را بر حسین

پاش که خداوند در اثر چنین کاری، به حسین شفا خواهد

داد. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چنین کرد و امام

حسین علیه السلام عافیت یافت. ۵

۲. عشق به آیات قرآن

مناسبتی

اگرچه شنیدن تمام آیات قرآن برای امام حسین علیه السلام لذت بخش بود، اما گاهی شنیدن برخی آیات، آن هم از زبان پدرشان، آن قدر لذت بخش بود که وصف آن را فقط خود ابی عبدالله علیه السلام می دانست و بس.

امام صادق علیه السلام می فرماید: پدرم برایم نقل فرمود که علی ابن ابی طالب علیه السلام در حالی که امام حسن و امام حسین علیهما السلام در محضر مبارک او بودند، سوره مبارکه «اَنَا انزلناه فی لیلۃ القدر» را قرائت کرد. امام حسین عرض کرد: پدرجان! گویا شنیدن این سوره از دهان مبارک تو، شیرینی ویژه ای دارد! امام علی علیه السلام در

پاسخ فرمود: ای فرزند رسول خدا و ای فرزندم! من از این سوره خاطره ای دارم که تو از آن خبر نداری؛ چون این سوره نازل شد، جدّ تو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم مرا به حضور طلبید و آن را بر من قرائت کرد. سپس دست برشانه راست من زد و فرمود: ای برادر و وصی من و ای سرپرست امت من پس از من، و ای ستیزگر با دشمنان من تا روزی که بر انگیخته شوند! این سوره پس از من برای توست و سپس در شأن فرزندان تو. همانا برادرم جبرئیل رویدادهای امتم را برایم بازگو کرد و او آنها را همانند حوادث نبوت برای تو بازگو می کند. این سوره در قلب تو و اوصیای تو تا هنگام طلوع فجر قائم آل محمد علیه السلام نوری درخشان دارد. ۶

۳. عشق به تلاوت قرآن کریم

همان گونه که گفته شد، امام حسین علیه السلام از دوران کودکی به این کتاب آسمانی علاقه شدیدی داشت و همواره در تمام زندگی اش از قرآن سخن می گفت و لحظه ای از آن جدا نبود؛ حتی در آن روزهایی که برای دفاع از قرآن و اسلام آماده جنگ با دشمنان اسلام بود. امام علیه السلام چه در مدینه و چه در بین مکه و مدینه و در راه عزیمت از مکه به کربلا و در کربلا، در مقاطع مختلف، از قرآن سخن به میان می آورد و با ابراز عشق به آن، میزان علاقه خود را به حاضران و آیندگان نشان می داد که به چند مورد از آنها اشاره می کنیم:

الف - قرائت قرآن در بیابان سوزان

ابن عساکر از یزید الرشک، از شخصی که با امام حسین علیه السلام گفت و گو داشته، نقل کرده است: (در منزل

ثعلبیه) چشمم به چادرهایی افتاد که در بیابان برپا شده

بود. پرسیدم: این چادرها از آن کیست؟ گفتند: امام

حسین علیه السلام. پس به نزد او آمدم و او را پیرمردی

یافتم که مشغول تلاوت قرآن بود و اشک از چشمانش

بر گونه ها و محاسنش سرازیر بود. عرض کردم: پدر و

مادرم به فدایت ای فرزند رسول خدا! برای چه به این جا

آمدی، و در این بیابان که هیچ کس در آن یافت نمی

شود، چه می کنی؟

فرمود: این نامه های اهل کوفه است که به من نوشته اند و

نمی بینم مگر آن که همان ها قاتل من هستند. پس اگر



مناسبتی

چنین کردند، هیچ حرمتی برای خدا نبوده، مگر آن که دریده باشند و خداوند در برابر این همه بی حرمتی، از آنها کسی را بر آنان مسلط خواهد کرد که خوار و ذلیلشان کند...۷

ب - مهلت خواستن امام در عصر عاشورا

تمام مورخان اسلامی ذکر کرده اند که در عصر عاشورا، عمر بن سعد با دریافت پیام و دستور جدید از عبیدالله بن زیاد، به محل استقرار امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش نزدیک شد. چون امام از هدف او آگاه شد، به برادر بزرگوار خود، قمر بنی هاشم فرمود: اگر می توانی آنها را متقاعد کن که جنگ را تا فردا به تأخیر بیندازند و امشب را مهلت دهند تا ما با خدای خود راز و نیاز کنیم و

به درگاهش نماز بگزاریم. خدای متعال می داند که من به

خاطر او نماز و تلاوت کتاب او را دوست دارم... ۸

و با این بیان، حضرت یک شب را مهلت گرفت و بار

دیگر اوج عشق و علاقه خود را به قرآن نشان داد.

ج - خطبه شب عاشورا

امام زین العابدین علیه السلام می فرماید: در شب عاشورا

پدرم یاران خود را جمع کرد و برای آنها خطبه خواند. من

نیز خدمت ایشان رفتم تا گفتارشان را بشنوم. پدرم به

یاران خود می فرمود: خدای را ستایش می کنم به بهترین

ستایش هایش و او را سپاس می گویم در خوشی و

ناخوشی. بار خدایا! تو را سپاس می گزارم که ما را به

نبوت گرامی داشتی و علم قرآن و فقه دین را به ما



کرامت فرمودی و گوش شنوا و چشمی بینا و دلی آگاه به
 ما عطا کردی؛ ما را از زمره سپاسگزاران قرار بده. ۹.

مناسبتی

د - در چادرهای حسینی چه گذشت؟

در شب عاشورا در میان خیمه های یاران امام، جنب و
 جوش فوق العاده ای به چشم می خورد. برخی سلاح خود
 را برای جنگ آماده می ساختند؛ عده ای مشغول عبادت و
 مناجات و راز و نیاز با پروردگار بودند و بعضی هم با
 قرآن انس گرفته بودند.

از ضحاک بن عبدالله مشرقی نقل شده است که در شب
 عاشورا، هرچند لحظه یک بار، گروهی سوارکار از
 لشکریان عمر بن سعد به عنوان مأموریت و نظارت به
 پشت خیمه های حسین بن علی علیه السلام می آمدند و

به وضع این خیمه نشینان سر می کشیدند. یکی از آنان صدای امام را که این آیه شریفه را می خواند، شناخت:

«ولا يحسبنّ الذين كفروا أنّما نملی لهم خیرٌ لأنفسهم إنّما نملی لهم لیزدادوا اثماً و لهم عذابٌ مهین ماکان الله لیذر المؤمنین علی ما أنتم علیه حتی یمیز الخبیث من الطیب...» ۱۰

آنان که کفر ورزیدند، گمان نبرند مهلتی که به آنان می دهیم، به نفع آنها است؛ بلکه به آنان مهلت می دهیم تا بر گناهان خود بیفزایند و برای آنان عذابی است ذلت بار. خداوند مؤمنان را بر این وضعی که هستند، واگذار نخواهد نکرد تا بد را از نیک و ناپاک را از پاک جدا سازد.



آن مرد با شنیدن این آیه، گفت: به خدا سوگند! افراد نیک، ما هستیم که خدا ما را از شما جدا کرده است.



مناسبتی

«بریر» جلو آمد و به او پاسخ داد: ای مرد فاسق! خدا تو را در صف پاکان قرار داده است؟ به سوی ما برگرد و از این

گناه بزرگ خود توبه کن؛ به خدا سوگند که ما میم افراد پاک. آن مرد از روی استهزاء گفت: «و انا ذلک من

الشاهدین؛ من نیز بر این شهادت می دهم»، آن گاه به سوی اردوگاه لشکر ابن سعد برگشت. ۱۱

امام علیه السلام به خاطر علاقه شدیدی که به قرآن داشت، به معلمان قرآن بسیار ابراز علاقه می کرد و در موردی، یک معلم قرآن را آن قدر تشویق کرد که مورد اعتراض دیگران قرار گرفت.

ابن شهر آشوب روایت می کند که عبدالرحمن سلمی به

یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام سوره حمد را

آموزش داد. وقتی فرزند امام آن را در نزد پدر خواند،

امام حسین علیه السلام به آن آموزگار هزار دینار و لباس

عطا کرد و دهان او را پر از جواهرات کرد

به حضرت اعتراض کردند که آموزش یک سوره این همه

عطا و تشویق لازم نداشت!

امام در پاسخ فرمود: این عطا و بخشش چگونه می تواند با

تعلیمی که او می دهد، برابری کند؟! ۱۲

زندگی امام حسین علیه السلام بزرگ ترین و بهترین

نشانه تجلی آیات قرآن کریم است؛ چرا که قرآن همراه

آنها و آنان همراه با قرآن بودند و هرگز جدایی بین

قرآن و عترت، قابل تصوّر نیست. این حقیقت زمانی که به نشانه های آن توجه کنیم، جایگاه خود را می یابد:

عیاشی در تفسیر خود از مسعده روایت کرده که روزی امام حسین علیه السلام از کنار فقرا و تهیدستان می گذشت. آنان که سفره خود را پهن کرده و تکه های نان خشک را در آن قرار داده بودند، از امام خواستند تا با آنان هم غذا شود.

حضرت به درخواست آنها پاسخ مثبت داده و در کنار آنها نشست و با آنان هم غذا شد و این آیه را تلاوت فرمود:

«انّ الله لا یحبّ المستکبرین»؛ ۱۳ خداوند مستکبران را دوست نمی دارد.



سپس فرمود: من دعوت شما را پذیرفتم؛ حال، شما نیز به

دعوت من پاسخ گوئید. عرض کردند: آری، ای فرزند

رسول خدا! چنین می کنیم. پس همراه امام حسین علیه

السلام به سوی منزلش روانه شدند. حضرت به کنیز خود

فرمود: هرچه در منزل کنار گذاشته ای، برای ما بیاور. ۱۴

علامه مجلسی از اربلی، از انس نقل می کند: نزد امام

حسین علیه السلام بودم که یکی از کنیزان آن حضرت در

حالی که شاخه گلی در دستش بود، وارد شد و آن را به

امام تقدیم کرد. امام فرمود: تو در راه خدا آزاد هستی.

عرض کردم: او را در برابر یک شاخه گل بی ارزش و کم

بها آزاد می کنی؟! حضرت فرمود: خداوند ما را چنین

تربیت کرده است که می فرماید: «و اذا حییتم بتحیة فحیوا



بأحسن منها او ردّوها» ۱۵ و آزادگی او بهتر است از آنچه
که او آورده بود. ۱۶

مناسبتی

ج - گذشت به خاطر شنیدن آیه عفو

همچنین نقل شده است که روزی یکی از بردگان حضرت،
جنایتی که موجب تنبیه بود، انجام داد. حضرت دستور داد
تا او را تأدیب کنند. او گفت: ای آقای من! «والکاظمین
الغیظ» ۱۷؛ امام فرمود: رهایش کنید. بار دیگر گفت: ای
مولای من! «والعافین عن الناس» ۱۸؛ حضرت فرمود: از تو
گذشتم. برای بار سوم گفت: ای مولای من! «والله یحبّ
المحسنین» ۱۹؛ حضرت فرمود: تو در راه خدا آزاد هستی.
و از این پس، حقوق تو دو برابر آنچه که پیش از این به
تو می دادم، خواهد بود. ۲۰

د - اخلاق کریمانه در پرتو قرآن



عصام بن المصطلق گوید: وارد مدینه شدم؛ وقتی حسین بن علی علیه السلام را دیدم، هیبت و عظمت او حسد و کینه درونی ام را نسبت به پدرش علی علیه السلام شعله ور ساخت. بدین جهت، او را مورد خطاب قرار داده، گفتم: تو پسر ابوتراب هستی؟ گفت: آری. پس شروع کردم به دشنام دادن او و پدرش.

امام حسین علیه السلام نگاهی مهرجویانه به من افکند و فرمود: اعوذ بالله من الشیطان الرجیم «خذالعفو و أمر بالعرف و أعرض عن الجاهلین و اماً ینزغنک من الشیطان نزغ فاستعذ بالله انه سمیع علیم. انّ الذین اتقوا اذا مسهم

طائف من الشيطان تذکروا فاذا هم مبصرون و اخوانهم
 یمدّونهم فی الغیّ ثم لا یقصرّون» ۲۱

مناسبتی

با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر و به نیکی ها دعوت
 نما و از جاهلان روی بگردان (و با آنان ستیزه مکن) و
 هر گاه وسوسه ای از شیطان به تو رسد، به خدا پناه بر،
 که او شنونده و داناست. پرهیز گاران هنگامی که گرفتار
 وسوسه های شیطانی شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر
 او) می افتند و (در پرتو یاد او، راه حق را می بینند و) در
 این هنگام بینا می گردند. و (ناپرهیز گاران را)
 برادرانشان (از شیاطین) پیوسته در گمراهی پیش می
 برند و باز نمی ایستند.

سپس به من فرمود: صدایت را کوتاه کن و آرام تر سخن گوی؛ خداوند من و تو را ببخشاید. اگر از ما چیزی طلب می کردی، به تو کمک می کردیم و اگر عطا و بخششی می خواستی، به تو می دادیم و اگر راهنمایی می خواستی راهنمایی ات می نمودیم.

عصام گوید: از تندروی هایی که کرده بودم، سخت پشیمان شدم.

امام فرمود: «لا تثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم و هو أرحم الراحمین» ۲۲؛ «امروز ملامت و توبیخی بر شما نیست؛ خداوند شما را می بخشد و او مهربان ترین مهربانان است». سپس فرمود: تو از شامیان هستی؟ عرض کردم: آری. فرمود: «شنشنة أعرفا من أخزم» ۲۳ خدا ما

و تو را زنده بدارد. نیازهایت را از ما بخواه که مرا در بهترین گمانت خواهی یافت.

مناسبتی

عصام گوید: آن چنان شرمنده شدم که زمین با آن همه وسعتی که داشت، بر من تنگ آمده، آرزو داشتم تا مرا به کام خود فرو برد. از آن پس، هیچ کس در نزد من محبوب تر از او و پدرش نبود. ۲۴

همچنین به آیات دیگری برمی خوریم که حضرت امام حسین علیه السلام شأن نزول آنها را اهل بیت می داند و یا آنها را به اهل بیت تفسیر کرده است:

الف - مراد از «ناس» ما اهل بیت هستیم

سعید بن مسیب نقل می کند: از امام سجاد علیه السلام

شنیدم که می فرمود: مردی خدمت امیر مؤمنان علیه

السلام رسید و عرض کرد: اگر عالم هستی، مرا از

(تفسیر) «ناس» و «اشباه الناس» و «نسناس» آگاه کن.

حضرت امیر علیه السلام خطاب به امام حسین علیه

السلام فرمود: ای حسین! جواب این مرد را بده. امام

حسین علیه السلام فرمود: اما این که پرسیدی «ناس» چه

کسانی اند؛ ما همان ناس هستیم (که خدای سبحان مردم

را به پیروی از ما فرمان داده است). از این رو، خدای

پاک در کتاب آسمانی خویش می فرماید: «ثم افیضوا من

حیث افاض الناس» ۲۵؛ «از همان جایی که مردم کوچ می

کنند (عرفات)، شما هم کوچ کنید». «این رسول خدا صلی

الله علیه و آله وسلم بود که مردم را کوچانید. و اما سؤال



تو که «اشباه الناس» چه کسانی هستند؛ آنان شیعیان و

دوستان ما هستند و آنان از ما می باشند. از این رو،

حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: «فمن تبعنی فانه

منی» ۲۶؛ «هر که از من پیروی کند، حقاً که او از من

است». اما سؤال تو که «نسناس» چه کسانی هستند؛ آنان

همین توده مردم اند. و حضرت با دست [مبارک] خود به

انبوه مردم اشاره کرد و این آیه را خواند: «ان هم الاّ

کالأنعام بل هم أضلّ سیلاً» ۲۷؛ «اینان جز همانند

چهارپایان نیستند؛ بلکه (نادان تر و) گمراه تر از

آنهایند» ۲۸.

ابن شهر آشوب در کتاب خود آورده است که حضرت

موسی بن جعفر و امام حسین علیهما السلام در تفسیر آیه

شریفه «الذین ان مکنّاهم فی الأرض أقاموا الصلوٰة...» ۲۹؛

«آنان که چون در زمین به قدرت رسیدند، نماز را بر پای

می دارند»، فرمودند: این آیه در باره ما اهل بیت آمده

است. ۳۰

امام حسین علیه السلام علاوه بر تطبیق بعضی آیات

شریفه بر اهل بیت عصمت علیهم السلام برخی دیگر از

آیات را خصوصاً بر امیرمؤمنان علی علیه السلام تطبیق

می کرد و می فرمود: این آیه در شأن مولا علی علیه

السلام نازل شده است. در این جا چند مورد از آنها را

ذکر می کنیم:

الف) امام علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «تراهم رگّعاً

سجّداً» ۳۱؛ «آنان را در حال رکوع و سجود بسیار می

بینی»، فرمود: این آیه شریفه در شأن علی بن ابی طالب
 علیه السلام نازل شده است. ۳۲



ب (همچنین امام باقر علیه السلام، از امام سجاد علیه
 السلام، از جدش نقل می کند که وقتی آیه شریفه «و کلّ
 شیء أحصیناه فی امام مبین» ۳۳؛ «و همه چیز را در کتابی
 روشنگر برشمارده ایم، بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
 وسلم نازل شد، ابوبکر و عمر از جای برخاستند و گفتند:
 ای رسول خدا! آیا امام مبین، تورات است؟ فرمود: نه.
 عرض کردند: انجیل است؟ فرمود: نه. سؤال کردند: قرآن
 است؟ فرمود: نه. در این هنگام امیرمؤمنان علیه السلام
 وارد شد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم به علی
 علیه السلام اشاره نموده و فرمود: امام مبین، این است.

حقاً که او همان امامی است که خدای تبارک و تعالی علم هر چیزی را در آن به شمار آورده است. ۳۴

مناسبتی

ج) امام می فرماید که از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در باره آیه «طوبی لهم و حسن مآب» ۳۵ سؤال شد. پیامبر فرمود: این آیه در باره امیر مؤمنان علی علیه السلام نازل شده است و «طوبی» درختی است در خانه علی که در فردوس می باشد و هیچ میوه ای از میوه های بهشتی نیست، مگر آن که در آن خانه موجود است. ۳۶

د) حارث بن اعور به امام حسین علیه السلام گفت: فدایت شوم ای فرزند رسول خدا! مرا از فرمایش خدا در کتاب خویش خبرده که می فرماید: «و الشمس وضحها» ۳۷ منظور چیست؟ فرمود: «ویحک یا حارث ذاک محمد

رسول الله؛ ای حارث! این محمد رسول خداست عرض

کرد: فدایت شوم منظور از «والقمر اذا تلاها» چیست؟

فرمود: منظور امیر مؤمنان است که پشت سر پیامبر صلی

الله علیه و آله وسلم بود. عرض کردم: منظور از «والنهار

اذا جلاها» چیست؟ فرمود: آن قائم آل محمد است که

زمین را پر از عدل و داد می کند. ۳۸.

در مواقع گوناگونی امام حسین علیه السلام با استناد به

آیات قرآن کریم به اتهامات واهی دشمنان پاسخ گفته و

آنها را سرکوب می کرد و در نتیجه، دشمن جز تسلیم در

برابر امام چاره دیگری نداشت.

از موسی بن عقبه نقل شده که به معاویه گفته شد: اکنون

چشم مردم به سوی حسین رفته است؛ چه خوب است که



او را دستور دهی منبر برود و سخن بگوید تا بدین وسیله، از شأن و منزلتش در بین مردم کاسته و خجل گردد. چرا که در او لکنت و کندی زبان هست. معاویه گفت: ما همین خیال را نسبت به برادرش امام حسن داشتیم؛ اما برخلاف انتظار، او در چشم مردم بسیار بزرگ شد و ما را مفتضح ساخت.

اما آنان دست بردار نبوده و پیوسته از او می خواستند تا چنین دستوری بدهد. معاویه به ناچار به امام گفت: ای اباعبدالله! چه خوب است بر منبر رفته و خطبه ای بخوانی. امام بر منبر رفت؛ همین که خواست شروع کند، شنید که فردی می گوید: چه کسی سخن می گوید؟ امام حسین علیه السلام در پاسخ فرمود: ما حزب الله که



غالب هستیم و عترت پیامبر که به او نزدیکیم و اهل بیت طیب او و یکی از دو ثقلی که رسول خدا ما را ثقل دوم کتاب خدا قرار داده، می باشیم که در اوست تفصیل هرچیز: «لایأتیة الباطل من بین یدیه و لا من خلفه» ۳۹؛ «هیچ گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی آید». ماییم که تفسیر قرآن به ما واگذار شده است. پس از ما پیروی کنید که پیروی از ما بر شما واجب است؛ چرا که پیروی ما به پیروی از خدا گره خورده است.

خدای متعال در قرآن می فرماید: «أطیعوالله و أطیعوالرسول و اولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول» ۴۰؛ «اطاعت کنید خدا را و

اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر (اوصیای پیامبر) را و هر گاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر خدا باز گردانید (و از آن ها داوری بطلبید)». همچنین فرمود:

مناسبتی

«ولو ردّوه الی الرسول و الی اولی الامر منهم لعلمه الذین یستنبطونه منهم و لولا فضل الله علیکم و رحمته لاتبعتم الشیطان الاّ قلیلاً» ۴۱؛ «اگر آن را به پیامبر و پیشوایان - که قدرت تشخیص کافی دارند - باز گردانند، از ریشه های مسائل آگاه خواهند شد و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز عده کمی، همگی از شیطان پیروی می کردید» و به شما هشدار می دهد که به پیام های شیطان گوش نکنید که او دشمن شماست؛ پس همانند اولیای شیطان می شوید که به آنها گفت: «لا غالب لکم الیوم من الناس و انّی جار لکم فلما ترائت الفئتان نکص علی عقیبه

و قال انی بری ء منکم» ۴۲؛ «امروز هیچ کس از مردم بر

شما پیروز نمی گردد و من همسایه شما هستم؛ اما

هنگامی که دو گروه در برابر یکدیگر قرار گرفتند، به

عقب برگشت و گفت: من از شما بیزارم». این جاست که

فرود آمدن شمشیرها و وارد آمدن نیزه ها و در هم

شکستن گرزها و نشانه رفتن تیرها را به سوی هدف و

غرض خواهید دید؛ در وقتی که دیگر از کسی که

پیشاپیش ایمان نیاورد و یا در ایمان خود خیری کسب

نکرده است، عذری پذیرفته نخواهد شد.

این جا بود که معاویه فریاد بر آورد و گفت: ای اباعبدالله!

بس است که پیام خود را رساندی. ۴۳



عمرو بن عاص برای این که این رسوایی را بپوشاند، چند سؤال کرد؛ از جمله این که پرسید:

به چه علت محاسن شما از محاسن ما بیشتر است؟

امام فرمود: «والبلا الطیب یخرج نباته باذن ربّه و الذی خبت لایخرج الا نکداً»؛ ۴۴: «سرزمین پاکیزه گیاهش به فرمان پروردگار می روید، اما سرزمین های بد طینت و (شوره زار) جز گیاه ناچیز و بی ارزش، از آن نمی روید.»

معاویه به عمرو بن عاص گفت: به حقی که من بر تو دارم، سخن را کوتاه کن که این، فرزند علی ابن ابی طالب است.

در این هنگام امام فرمود:

ان عادت العقرب عدنا لها



و كانت النعل لها حاضرة

قد علم العقرب و استيقنت

أن لا لها دنيا و لا آخرة

اگر بار دیگر عقرب به سراغ ما بیاید، ما نیز به سراغش رفته و کفش ها برای کشتن او آماده است. عقرب به علم و یقین می داند که نه دنیا دارد و نه آخرت. ۴۵

پی نوشت ها:

۱- فرهنگ جامع سخنان امام حسین(ع)، ص ۳۱.

۲- کفایة الاثر، ص ۱۷۵.

۳- اسراء / ۳۶.

۴- فرهنگ جامع سخنان امام حسین(ع)، ص ۶۲۹.

۵- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۶۱.

۶- فرهنگ جامع سخنان امام حسین(ع)، ص ۶۳۷.

۷- وقائع الطریق من مکة الی کربلا، ج ۳، ص ۲۲۶.

۸- قصه کربلا، ص ۲۴۳ و لهوف سیدابن طاووس، ص ۳۸.

۹- ارشاد مفید، ص ۲۱۴.

۱۰- آل عمران/ ۱۷۸ و ۱۷۹.

۱۱- سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا، ص ۲۰۹، به نقل از تاریخ طبری.

۱۲- مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۶۶.

۱۳- نحل / ۲۳.

۱۴- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵۷ و بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۹.

۱۵- نساء / ۸۶.

۱۶- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۵.



۱۷ تا ۱۹ - آل عمران / ۱۳۴.

۲۰ - بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۵.

۲۱ - اعراف / ۲۰۲ - ۱۹۹.

۲۲ - یوسف / ۹۲.

۲۳ - مثلی است معروف و در جایی که اصل و سبب و ریشه ماجرا معلوم است، به کار برده می شود.

۲۴ - الامام الحسین فی المدینة المنورة، ج ۱، ص ۳۵۳.

۲۵ - بقره / ۱۹۹.

۲۶ - ابراهیم / ۳۶.

۲۷ - فرقان / ۴۴.

۲۸ - فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ص ۶۲۵.

۲۹ - حج / ۴۱.

۳۰ - مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۷.



۳۱۔ فتح / ۲۹۔

۳۲۔ فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ص ۶۳۴۔

۳۳۔ یس / ۱۲۔

۳۴۔ فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ص ۶۳۳۔

۳۵۔ رعد / ۲۹۔

۳۶۔ فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ص ۶۲۸۔

۳۷۔ والضحي / ۳ - ۱۔

۳۸۔ تفسیر فرات کوفی، ص ۲۱۲۔

۳۹۔ فصلت / ۴۲۔

۴۰۔ نساء / ۵۹۔

۴۱۔ همان / ۸۳۔

۴۲۔ انفال / ۴۸۔



۴۳- احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۲.

۴۴- اعراف / ۵۸.

۴۵- مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۶۷.

منبع : پایگاه حوزه نت

مناسبتی